



تفسیر انفسی هاد

جلد ۱

آیات ۱۶-۱۱ سوره مبارکه بقره

امین سیدناما



وکتل غزم عابد

سرشناسه: سپیدنامه، امین، ۱۳۶۴ -

عنوان و نام پدیدآور: تفسیر انفسی هاد / امین سپید نامه.

مشخصات نشر: قم: اعتلای وطن، ۱۳۹۸ -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ج. ۱: 9786226923194

وضعیت: فیا

فهرست نویسی مندرجات: ج، ۱. آیات ۱۷ - ۱ سوره مبارک بقره

موضوع: تفاسیر (سوره بقره)

موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: Quran -- Shiite hermeneutics -- 20 th century

رده بندی کنگره: BP ۱۰۲/۱۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۴۰۵۲۵



وکتل نرم‌نویس

هاد / تفسیر انفسی قرآن کریم (جلد اول)

مؤلف: امین سپیدنامه

ناشر: اعتلای وطن

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۸

قطع و صفحه: وزیری، ۲۴ صفحه

تیراژ: ۳۰۰ جلد

قیمت: ۶۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۲۳-۱۹-۴ ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۲۳-۱۹-۴ ISBN: 978-622-6923-19-4

تلفن مرکز پخش: ۰۹۳۳ ۹۲۳ ۶۹۷۵

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

عنوان مطالب

مقدمه	۱۳
الم (۱)	۱۷
مظهر «الف» در تکوین	۱۷
ظهور الف در وقایع روزانه	۲۲
ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین (۲)	۲۹
منشأ معلومات و مجهولات انسان	۲۹
ریب و تفاوت آن با شک	۳۰
حقیقت قرآن چیست؟	۳۰
قوس نزول و صعود	۳۱
قرآن ناطق	۳۳
مقصود از «الناس» چه کسانی هستند؟	۳۶
درکات و درجات	۴۱
معنای ایمان	۴۳
قوای متعدد انسانی	۴۶
اقسام ادراک	۴۶
تعریف قوای واهمه، خیال و عقل	۴۸
حس مشترک و رابطه آن با قوه خیال	۴۸
قوه خیال، محرک انسان	۵۰
تفاوت قوه خیال با واهمه	۵۱
عجایب قوه خیال	۵۱
قوه عاقله چگونه قوه خیال را به کار می گیرد؟	۵۲
آیا قوه خیال می تواند از آینده خبر دهد؟	۵۶

- قوه خیال چگونه مانع ترقی انسان می‌شود؟ ۵۶
- منشأ صفات کمالی انسان ۶۰
- اقسام بهشت ۶۱
- یکی از راه‌های کنترل خیال ۶۲
- چگونه از طریق قوه خیال «متفرد» شویم؟ ۶۵
- انواع خیال ۶۶
- تفاوت قوه خیال و لامسه در چشیدن لذات و آلام ۶۶
- معنای ترس عقلی و خیالی و ارتباط آن با قوه خیال ۶۸
- تجلی قوه خیال در مسائل اجتماعی ۶۹
- مراتب ایمان ۷۴
- پایین‌ترین مرتبه ایمان: ایمان تقلیدی ۷۴
- دومین مرتبه ایمان: علم الیقین ۷۵
- سومین مرتبه ایمان: عین الیقین ۷۵
- مرتبه عالی ایمان: حق الیقین ۷۶
- قله ایمان: برد الیقین ۷۷
- شاخصه داشتن ایمان حقیقی ۷۸
- عقل نظری و عقل عملی ۸۰
- اعمال قلبی و اعمال قالبی ۸۱
- آیا اعمال حسنه کفار مورد پذیرش است؟ ۸۲
- علم و عمل انسان پس از مرگ ۸۳
- نقش اراده در عملی شدن علم انسان ۸۴
- تفاسیر متعدد از معنای غیب ۸۷
- اولین تفسیر از معنای غیب ۸۷
- تفاوت ذهن و قلب ۸۷

۸۹	 اقسام کفر
۹۰	 تفسیری دیگر از معنای غیب
۹۳	 نفس ناطقه، مصداق اتمّ غیب
۹۵	 ایمان به نفس ناطقه
۹۸	 «من» واقعی تجلی عالم غیب
۱۰۱	 تفاوت تفکر با خیال پردازی
۱۰۲	 گفتاری در مورد جسم
۱۰۲	 مراتب انسان
۱۰۳	 مرتبه نباتیت انسان
۱۰۵	 تفکر و حضور
۱۰۸	 دوری از تفکر؛ دوری از قرآن
۱۱۰	 معنای درهای هفتگانه جهنم و هشتگانه بهشت
۱۱۲	 بالاترین مصداق غیب
۱۱۶	 غیب مطلق نفسی و غیب نسبی
۱۱۷	 بنی اسرائیل نمونه افرادی که به غیب ایمان نداشتند
۱۱۸	 مشخصه‌های افرادی که به غیب ایمان ندارند
۱۲۲	 بحثی پیرامون طهارت قوه خیال
۱۲۴	 «و یقیمون الصلوه»
۱۲۵	 تفاوت اقامه نماز با خواندن آن
۱۲۵	 تفسیر اذکار و هیأت‌های مختلف بدن در نماز
۱۲۵	 نیت
۱۲۶	 مرتبه انسانی و حیوانی
۱۲۷	 بعد نباتی انسان (سجده)
۱۲۸	 چشنده اصلی آلام و لذات

۱۳۱	بدن متروح و روح متجسد.....
۱۳۵	قبله.....
۱۳۵	ولایت، روح نماز.....
۱۴۱	ذکر سمع الله لمن حمده.....
۱۴۲	اهتمام انسان کامل به نماز.....
۱۴۲	تشهد و سلام.....
۱۴۳	«و مما رزقناهم یقینون».....
۱۴۳	انفاق، وصف متقین.....
۱۴۴	یکی از مصادیق نفاق.....
۱۴۵	نشانه‌های منافقین.....
۱۵۰	سنت الهی در نزول رزق.....
۱۵۱	سنخیت در انجام افعال انسانی.....
۱۵۷	یقین، هدف عبادات.....
۱۵۹	چگونگی سنخیت یافتن با نور.....
۱۶۳	معنای سنخیت در انفاق.....
۱۶۳	سنخیت بین علت و معلول.....
۱۶۵	شروط لازم در حصول یقین.....
۱۶۷	عمل صالح چگونه موجب یقین به آخرت می‌شود؟.....
۱۶۷	«و بالاخره هم یوقنون».....
۱۶۸	مبدأ و معاد انسان.....
۱۶۹	هدف خداوند از ابتلاء بشر.....
۱۷۰	نشانه‌های اهل یقین.....
۱۷۱	قیامت چه زمانی محقق می‌شود؟.....
۱۷۲	آیا با وجود بدن طبیعی می‌توان قیامت را شهود کرد؟.....

۱۷۳	نقش قوه خیال در ترقی انسان.....
۱۷۵	قوه خیال موطن مشاهده حقایق ملکوتی.....
۱۸۳	آیا حوادث زندگی انسان قبلاً به وجود آمده‌اند؟.....
۱۸۶	قیامت در چه مکانی واقع می‌شود؟.....
۱۹۱	خیال متصل و منفصل.....
۱۹۵	آخرت در امتداد تاریخ نیست. (قیامت هم اکنون قائم است).....
۱۹۸	باطن انسان، راه کسب یقین.....
۲۰۰	مرگ اختیاری.....
۲۰۳	مالکیت نفس نسبت به صفات (در تفسیر آفاقی).....
۲۰۸	تبدیل شدن انسان در پرتو متناوب با اعمالش.....
۲۰۹	حرکت در انسان.....
۲۱۰	معنای حال و ملکه.....
۲۱۲	معنای فصل مقوم.....
۲۱۷	اولئک علی هدی من ربهم واولئک هم المفلحین (۵).....
۲۱۷	حقیقت والای متقین.....
۲۱۹	چیرگی متقین بر امور زندگی.....
۲۲۳	هرکسی زارع و زرع و مزرعه خود است.....
۲۲۷	توجه به معنای گرداندن صورت.....
۲۲۹	ان الذین کفروا سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لایؤمنون (۶).....
۲۲۹	معانی لغات.....
۲۳۰	سخنی در جامعیت زبان عربی.....
۲۳۱	کافر در قرآن.....
۲۳۳	تأکید قرآن به انذار.....
۲۳۸	مقام انذار.....

۲۴۰	 علت عدم تأثیر انذار در کفار
۲۴۳	 عدم پذیرش اعمال کفار
۲۴۶	 قابیل مصداق کفر محض
۲۴۸	 سنجش بین معلم و متعلم
۲۵۰	 سنای امتحانات الهی
۲۵۳	 هابیل مظهر انذار
۲۵۵	 تقسیم بندی انسان ها به متقین، کافرین، منافقین و خصیصه های هر گروه
۲۵۷	 اقسام عزت در قرآن
۲۶۱	 علم نافع و علم مضر
۲۶۲	 وجه اشتراک کفار و حیوانات
۲۶۴	 خداوند مؤثر مطلق است
۲۶۷	 ختم دهان روح
۲۶۹	 قلب مرکز حقیقت انسان
۲۷۱	 انسان، فاعل قریب ختم
۲۷۵	 دلیل ختم قلب
۲۷۹	 دو اصل در حرکت
۲۸۲	 حرارت محبت
۲۸۵	 کافر بودن محب دنیا
۲۸۸	 حقیقت سمع
۲۹۰	 غشاوه
۲۹۱	 «و لهم عذاب عظیم»
۲۹۳	 معنای لطیفی از «لهم»
۲۹۵	 «و من الناس من یقول ءامنا بالله وبالیوم الآخر و ما هم بمؤمنین» (۸)
۲۹۶	 ایمان ظاهری و باطنی

۲۹۸	فلسفه امتحانات الهی
۳۰۵	توحید افعالی در ابتلائات
۳۰۹	یخادعون الله و الذین ءامنوا و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون (۹)
۳۱۵	«فی قلوبهم مرض»
۳۱۵	حقیقت مرض قلب
۳۱۶	نحوه صدور اعمال
۳۱۹	ازدیاد مرض
۳۲۰	مداوای مریضی معنوی
۳۲۰	ریب و ارتباط آن با امراض قلبی
۳۲۲	انواع مرض در قرآن
۳۲۴	نقش شیاطین در امراض نفسانی
۳۲۵	نوع دیگری از مرض قلبی
۳۲۸	حرکت جوهری و اشتداد وجودی انسان
۳۳۰	وحدت ذکر ، ذاکر و مذکور در جهت مثبت و منفی
۳۳۱	ذکر واقعی انسان
۳۳۴	عوامل ایجاد نفاق
۳۳۶	یک بحث فلسفی و ارتباط آن با منافق
۳۴۱	علم یافتن به تمام ماسوا
۳۴۲	منافق در حال اکتساب است
۳۴۵	و اذا قيل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون (۱۱)
۳۵۴	نشانه‌های منافق
۳۵۶	نشانه حزن و فرح عقلی
۳۵۶	گریه و خنده منافق
۳۵۹	معنای خلوت با شیاطین

۳۶۰.....	معنای حقیقی تمسخر.....
۳۶۴.....	توجه به «من» واقعی.....
۳۶۶.....	قرائت کتاب در عوالم بالاتر.....
۳۶۷.....	معنای دیگری از خلوت با شیاطین.....
۳۶۹.....	الله یستهزی بهم و یمدهم فی طغیانهم یعمهون (۱۵).....
۳۷۲.....	ضرورت خودسازی.....
۳۷۶.....	دید دینی راهی برای دریافت علم حقیقی.....
۳۷۷.....	غضب خداوند نسبت به انسان.....
۳۸۱.....	فاعل بالمیل و فاعل بالاخبار.....
۳۸۴.....	معنای دیگری از خلوت با شیاطین.....
۳۸۸.....	دلیل اسناد مد منافق در وادی نفاق به خدای تعالی.....
۳۹۷.....	اولئک الذین اشتروا الضلالة بالهدی فما یهدی تجارتهم و ما کانوا مهتدین (۱۶).....
۳۹۹.....	مثال و ممثل.....
۴۰۱.....	رفتار منافق در اجتماع.....
۴۰۲.....	بررسی معنای انفسی آیه.....
۴۰۴.....	مقصود از استوقد (برافروختن آتش).....
۴۰۴.....	بحثی ادبی.....
۴۰۸.....	فقدان یاور.....
۴۱۱.....	تغییر حالات انسان‌های متدین.....
۴۱۲.....	معنای دیگر باب استفعال.....
۴۱۲.....	تحول.....
۴۱۴.....	معنایی متفاوت از آیه.....
۴۱۸.....	معنای ترک کردن در تاریکی.....
۴۲۱.....	تفاوت نظر و ابصار.....
۴۲۲.....	ذو مراتب بودن آیه.....
۴۲۳.....	ذو مراتب بودن احکام شرعی.....

قرآن علم نامتناهی خداوند تعالی است که در نشئه ملک در قالب الفاظ و حروف تجلی کرده است و این الفاظ و حروف به ظاهر محدود، دارای معانی نامحدودند. به همین دلیل کسی که در مقام تفسیر این کتاب عظیم الشان برمی آید، به قدر ظرف وجودی خود، معانی قرآن را استخراج می کند. پس هیچ کس نمی تواند ادعا کند که تمام معانی آیات را در تفسیرش بیان کرده است.

هر مفسری دارای مزاج خاص، سلیقه و صفات غالب نفسانی است. به همین دلیل تفسیری که از کانال وجودی یک مفسر خاص بیان می شود با تفسیری که از کانال مفسران دیگر جاری می گردد متفاوت خواهد بود. می توان گفت این آب زلال در کانال وجودی نفوس مفسران رنگ می گیرد و هر یک، طبع باطن خود آیات الهی را تفسیر می کنند: «انزل من السماء ماء فسال اودیة بقدرها»^۱

به عنوان مثال برخی از مفسران قرآن را به صورت عقلی و فلسفی، برخی بنا بر روایات و برخی دیگر به صورت آفاقی تفسیر کرده اند.

هر کدام از این تفاسیر در جایگاه خود صحیح و لازم اند و ملاک نصیحت، علمی است که بنا بر آن علم، تفسیر صورت گرفته است. اگر تفسیر، نقلی باشد علم به علوم نقلی؛ و اگر عقلی صرف باشد علم به علوم عقلی برای بیان این نوع تفسیر کفایت می کند؛ و اگر عقلی و نقلی بود، باید مفسر، جامع این دو علم باشد؛ و مشخص است اگر در تفاسیر، رسالت حقیقی قرآن در نظر گرفته نشود و صرفاً با بهره گیری از عقل و نقل تفسیر شود چون هدف واقعی قرآن محقق نشده است، این تفسیر گرچه از نظر علمی سنگین و

۱. رعد، ۱۷: «خداوند از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودیه قدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری می شود».

وزین باشد، فاقد ارزش حقیقی است.

البته این مطلب به این معنا نیست که تفاسیر علمای بزرگ اسلام فاقد اعتبار باشند بلکه تفاسیری مانند المیزان گرچه به ظاهر تفسیر آفاقی است ولی در حقیقت تفسیر باطنی قرآن، و دارای مرتبه بسیار والایی در بین تفاسیر کنونی است.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «**معرفة النفس انفع المعارف**»؛ لذا تفسیری که بنابر معرفت نفس باشد افضل از تمام تفاسیر خواهد بود و بنا بر مباحثی که در آینده خواهد آمد، قرآن تجلی نفس ناطقه انسان کامل است. پس اگر بر این مبنا قرآن را تفسیر کنیم، قرآن چهره باطنی خود را نمایان می کند و می یابیم که قرآن شرح باطن و حالات نفسانی ماست.

تفسیر پیش رو تفسیری است که بر مبنای معرفت نفس بیان شده و حاصل تبدیل صوت های ضبط شده در کلاس به نوشتار است.

مطالعه این کتاب برای کسانی که دارای زمینه علمی مناسب نیستند توصیه نمی شود؛ چرا که بسیاری از تفاسیر، بنابر بحث های سنگین معرفت نفس، فلسفه، هیئت و... پیاده شده است.

لازم است قبل از ورود به تفسیر، مراتب معنایی قرآن را تعریف نماییم که عبارت اند از: ۱- ترجمه ۲- تفسیر ۳- تأویل.

۱- ترجمه: معنای تحت اللفظی آیات است. مثلاً اگر در آیه ای از لفظ «ماء» استفاده شده باشد معنای آن «آب» است که آب و ماء یک حقیقت اند. این نوع معنا کردن که نازل ترین مرتبه از معنای قرآن است ترجمه نام دارد.

۲- تفسیر: جناب «احمد بن فارس» می فرماید: «فسر» تدل علی بیان شی و ایضاحه من ذلک الفسر؛ پس تفسیر، ترجمه تحت اللفظی کلمه را می شکافد و معنایی گسترده تر از ترجمه را بیان می کند؛ مثلاً در معنای «ماء» مفسر می فرماید: مقصود از «ماء» در این آیه

فلان آب در فلان ماجرا است، و شواهدی که برای اثبات آن می آورد نقلی و تاریخی است؛ پس تفسیر از ترجمه دقیق تر و عمیق تر است.

۳- **تأویل:** جناب «راغب» در مفردات می فرماید: «التأویل من الاول، ای الرجوع الى الاصل، و منه الموثل للموضع الذی يرجع الیه. الخ.» معنای اجمالی تأویل، برگشت شیء به اصل و حقیقت خود است. اگر تأویل را در مورد قرآن به کار ببریم معنایی از آیه بیان می شود که در حقیقت مبین مقصود خداوند تعالی باشد. واضح است که این گونه استنباط معنای فقط از عهده معصومین (علیهم السلام) و شاگردان سِری آن ها برمی آید نه مفسران عادی. **ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم!**

پس تأویل دارای معنایی عمیق تر از تفسیر است و ارتباطی با ظاهر آیات ندارد. مثلاً در آیه «انطلقوا الى ظل ذي ثلاث شعب»^۲ از معنای ظاهری آیه چنین برمی آید که جهنم یک سایه سه شعبه دارد، ولی امام صادق (علیه السلام) می فرماید: منظور از این سه شعبه سه خلیفه اول است. به این گونه استنباط کردن که با ظاهر آیات شباهتی ندارد تأویل گفته می شود.

به عنوان مثال دیگر «قتل الانسان ما اکفره»^۳ ظاهر آیه می فرماید: مرده باد انسان چقدر کافر است. اما امام صادق (علیه السلام) می فرماید: منظور آیه از انسان، حضرت علی (علیه السلام) است که قُتل به صورت مجهول بیان شده و تأویل آن چنین است: چه چیزی سبب کفرش بود که او را کشتید؟ در اینجا اگر معنای ظاهری را در نظر بگیریم می فرماید: مرده باد انسان چرا این قدر کافر است. ولی تأویل آن در مورد انسان کامل است؛ پس نباید تأویل را با تفسیر خلط نماییم. لازم است بدانیم تأویل علمی است که

۱ آل عمران، ۷۰ و تأویل آن را جز خداوند و راسخون در علم نمی دانند.

۲ مرسلات، ۳۰ و به سوی سایه ای که دارای سه شعبه است، بروید.

۳ عبس، ۱۷، کشته باد انسان چقدر کافر است.

جز اهل حقیقت کسی از آن مطلع نیست.
تفسیر پیش رو ترکیبی از این سه مرتبه معنای قرآن است که این مراتب بنا به نفس انسان
تفسیر شده و موضوع آن نفس ناطقه انسانی و شئون متعددش است.

امین سپیدنامه

با تشکر از اعضای مجمع علمی «هاد»